

بررسی لایحه قانون آئین دادرسی کیفری

عاطفه عباسی کلیمانی*

چکیده

تضمین امنیت و اطمینان خاطر بخشیدن به افراد جامعه علاوه بر حمایت از شهروندان در قبال تعدی به حقوق یکدیگر، مستلزم تضمین حقوق و آزادیهای آنان در مقابل هر نوع تعرض غیر قانونی از طرف حکومت می باشد. بی شک برای نیل به این هدف تدوین قانون آئین دادرسی کیفری منطبق با آخرین دستاوردهای حقوق بشری مندرج در اسناد مهم بین المللی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی، آمریکایی و آفریقایی حقوق بشر دارای اهمیت فراوان است.

تحقق دادرسی عادلانه برای تأمین منافع افراد و جامعه، نیازمند اجرای اصول و قواعد چندی در مراحل پنج گانه آیین دادرسی یعنی کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، تعقیب، دادرسی و اجرای حکم می باشد.

صرفنظر از برخی ایرادات قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، قانون مزبور با توجه به اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در ۱۳۸۱ و احیای مجدد دادرسیها، پاسخگوی نیازهای جامعه حقوقی کشور نمی باشد. علیهذا هم اینک لایحه آئین دادرسی کیفری در جریان تصویب قرار گرفته و در این مقاله تلاش می شود ضمن اشاره به اهم قواعد مندرج

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران، پردیس قم

در این لایحه، قواعدی که از نظر تدوین کنندگان آن مستور مانده مورد اشاره قرار گیرد.

مقدمه

برای تحقق دادرسی عادلانه نیازمند اجرای اصول و قواعد چندی در مراحل پنج گانه آیین دادرسی یعنی کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای حکم هستیم که این مراحل در اسناد بین المللی مورد تأکید قرار گرفته اند.

کشف جرم عبارت است از اقداماتی که پس از اطلاع از وقوع جرم برای حفظ آثار و دلایل موجود، دستگیری متهم و جلوگیری از فرار وی و نیز جمع آوری اطلاعات مربوط به بزه ارتكابی انجام می شود. این امر زیر نظر مقام قضایی بر عهده ضابطین دادگستری است. متهم در این مرحله دارای امتیازات و حقوق ذیل است که او را در برابر تعرضات پلیس باز می دارد.

ضوابط ناظر به احضار یا جلب متهم به وسیله احضار نامه یا برگه جلب به موجب دستور مقام قضایی، منع تعقیب و توقیف خودسرانه و لزوم تعیین تکلیف متهم تا ۲۴ ساعت^۱، رعایت اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، احترام به حیثیت ذاتی افراد^۲، بهره مندی متهم از حق سکوت و تفهیم اتهام^۳ به وی اهم اموری است که در این مرحله لازم الرعایه است.

مرحله تحقیقات مقدماتی که مهمترین مرحله دادرسی بوده و بنیان پرونده جزایی را تشکیل می دهد، مشتمل بر انجام سه دسته امور است که شامل جمع آوری ادله له و علیه متهم، اقدامات لازم برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم از طریق صدور قرار تأمین متناسب و النهایه اظهار نظر در باره جرم ارتكابی در قالب یکی از قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب یا قرار مجرمیت می باشد.

علاوه بر موارد مشروحه در مرحله کشف در این مرحله نیز متهم حق همراهی

۱. بند ۳ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی

۲. ماده ۱۷ قرارداد ژنو در مورد معامله با اسیران جنگی مصوب ۱۹۴۹

۳. بند ۱ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی

توسط وکیل دادگستری^۱ را داشته و باید به وی فرصت کافی برای دفاع اعطا گردد. حفظ مصونیت زندگی خصوصی افراد اعم از متهم، شاکی و مطلعین از طریق قواعد حاکم بر جمع آوری ادله ان هم از طریق وسایل مدرن علمی تضمین می شود. در این مرحله با ملحوظ نمودن اصل برائت^۲ و ممانعت از هرگونه اعمال فشار و آزار که منتهی به شکنجه^۳ شود،^۴ بدون مداخله خودسرانه در مسکن، زندگی خصوصی، مراسلات و... و نقض قواعد ناظر بر بازرسی نامه ها و استماع مکالمات تلفنی، مخابرات، تلگراف و تلکس و...^۵ می توان دلایلی را گردآوری کرد.

صدور قرار تأمین متناسب با اتهام و وضعیت متهم و محدود نمودن موارد صدور قرار بازداشت موقت^۶ و در عین حال قابل اعتراض و فک بودن این قرار و محدودیت زمانی آن و استفاده از مکانیزم های جایگزین مناسب از قابلیت های یک قانون مناسب محسوب می گردد.

در گام پایانی از این مرحله بازپرس نسبت به وضعیت پرونده در قالب قرار موقفی تعقیب، منع تعقیب و قرار مجرمیت اظهار نظر نموده و در راستای حفظ حقوق شاکی خصوصی قرارهای موقفی و منع تعقیب باید از جانب وی قابل اعتراض بوده و کلیه این احکام باید مستدل و موجه باشد.

در مرحله سوم دادرسی مقام تعقیب به تدارک دعوی علیه شخصی که قرار مجرمیت یا جلب به دادرسی علیه وی صادر شده می پردازد. تفکیک مقام تحقیق، تعقیب و

-
۱. ماده ۷۲ قرارداد ژنو راجع به حمایت از افراد کشور در حال جنگ ۱۹۴۲، ماده ۹۹ قرارداد ژنو در مورد معامله با اسیران جنگی مصوب ۱۹۴۹ و ماده ۹۳ توصیه نامه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره حداقل رفتار با زندانیان به منظور مبارزه با جرم و چگونگی رفتار با زندانیان ژنو ۱۹۵۷
 ۲. ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بنده ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (بیانیه قاهره)، بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه
 ۳. در خصوص تعریف شکنجه مراجعه شود به: ماده یک کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۸۴/۱۲/۱۰
 ۴. مواد ۵ و ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر در بند ب ماده ۱۸
 ۵. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۲، میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۷ و اعلامیه اسلامی حقوق بشر در بند ب ماده ۱۸
 ۶. بند ۳ ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی

دادرسی از یکدیگر^۱ تضمینی مهم برای جلوگیری از تضييع حقوق افراد می باشد. همچنین در این مرحله دادستان می باید پرونده تحقیقات را برای شاکی و متهم افشا نموده تا ایشان ضمن اطلاع از محتوای پرونده مدافعات خویش را آماده سازند. موارد محرمانه تلقی شدن اطلاعات باید به حداقل ممکن محدود گردد و شاکی و متهم باید بتوانند به هزینه خود از پرونده رونوشت تهیه کنند.

در مرحله چهارم یعنی دادرسی، در دادگاهی مستقل، قانونی و بی طرف^۲، جلسه دادرسی بدون تأخیر غیر موجه و به صورت علنی و با حضور هیئت منصفه در جرایم مهم و سیاسی و مطبوعاتی برگزار می گردد. رعایت ضوابط ناظر به صلاحیت ذاتی، محلی و شخصی دادگاه و کاهش صلاحیت دادگاههای اختصاصی، همراهی متهم به وسیله وکیل دادگستری و بهره مندی وی در صورت نیاز از یک نفر مترجم^۳ و برقراری آیین دادرسی خاص کودکان و نوجوانان از مهمترین اصول حاکم بر این دوره می باشد.^۴

در نهایت پس از مرحله دادرسی نوبت به اجرای حکم صادره اعم از براءت و محکومیت می رسد. حق تجدیدنظرخواهی ذینفع از حکم صادره و بهره مندی متهم از قاعده منع تعقیب مجدد و جبران خسارت از زیان دیده خصوصاً متهم در صورت صدور حکم براءت و توقیف یا کسر حیثیت وی^۵ در مراحل مختلف از اهم ضوابط این مرحله می باشد.

اینک با عنایت به موارد فوق الذکر ضمن بررسی اصول و ضوابط مندرج در ابواب شش گانه لایحه آئین دادرسی کیفری نقاط ضعف و قوت آن خاطر نشان خواهد شد.

بند اول) کلیات

باب اول لایحه تحت عنوان کلیات به تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول دادرسی

۱. ماده ۶ اعلامیه حقوق بشر اروپایی و بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

۲. ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر

۳. ماده ۷۲ قرارداد ژنو راجع به حمایت از افراد کشور در حال جنگ ۱۹۴۲ و ماده ۱۰۵ قرارداد ژنو در

مورد معامله با اسیران جنگی مصوب ۱۹۴۹

۴. بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی

۵. بند ۵ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی

منصفانه و دعوای عمومی و خصوصی پرداخته است.

الف) حقوق متهم و شاکی در فرایند دادرسی عادلانه

ماده ۱-۱۱۱ فصل اول لایحه آیین دادرسی کیفری را ترتیبات و قواعدی دانسته که " برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم و بزه دیده وضع شده است." تعریف حاضر از تعریف قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری دقیقتر بوده و در به کارگیری اصطلاحات دقت بیشتری مبذول نموده است. نکته قابل تأمل در ان بحث میانجی گری است که با عنایت به اصول حاکم بر ان صرفاً نسبت به جرایم قابل گذشت یا جرایم غیر قابل گذشتی که گذشت شاکی در تعیین مجازات آنها مؤثر است، جاری است.

در مواد ۲-۱۱۱ تا ۷-۱۱۱ برخی از حقوق و اصول حاکم بر دادرسی عادلانه مقرر در اسناد فراملی که ایران به آنها پیوسته است، ذکر گردیده که از جمله آنها عادلانه بودن دادرسی، تساوی افراد در برابر قانون، بی طرفی قضات، اصل برائت، ممنوعیت نقض حریم خصوصی، تفهیم اتهام به متهم، حق بهره مندی از معاضدت و کیل، اصل ارائه اطلاعات به متهم، شاکی و بزه دیده می باشد.

از جمله انتقادات وارد بر این مواد به کار بردن عبارات عادلانه و منصفانه در کنار هم می باشد که با توجه به مفاهیم یکسان این عبارات، زاید به نظر می رسد. اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، احترام به حیثیت ذاتی افراد و منع تعقیب و توقیف خودسرانه، احضار یا جلب متهم به وسیله احضار نامه یا برگه جلب، حق بهره مندی از مترجم و داشتن حق سکوت از جمله دیگر حقوقی است که متهم در فرایند دادرسی عادلانه مطابق با معاهداتی چون میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ و اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروند و بیانیه قاهره حق بهره مندی از آنها را دارد و پیش نویس حاضر در این فصل به آنها اشاره ننموده است. لذا مناسب تر است به جای ماده ۷-۱۱۱ که مقرر می دارد: "در تمام مراحل دادرسی کیفری، اعم از کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و اجرای آراء، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» و سایر قوانین از سوی تمام

مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. " با توجه به کلیت عبارات به کار رفته در قانون اخیر الذکر، حقوقی که متهم و شاکی باید در مراحل مختلف دادرسی از آنها برخوردار شوند و در فوق به برخی از آنها اشاره گردید، به تفصیل در فصل مربوطه ذکر گردد. شایان ذکر است اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها با انشایی نامناسب در صدر ماده ۱۱۲-۱ مورد اشاره قرار گرفته است.

ب) دعاوی ناشی از جرم

وفق مندرجات فصل دوم باب اول، جرم دارای دو جنبه عمومی و خصوصی بوده و ارتکاب جرم موجب دو ادعا می گردد: ادعای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی و ادعای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده می باشد. طبق ماده ۱۱۲-۳ "بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارد شده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می شود." به کار بردن واژه بزه‌دیده که دارای صبغه جرم شناسی است از یک سو نشان از التفات تدوین کنندگان پیش نویس نسبت به یافته های جرم شناسی دارد و از سوی دیگر با توجه به تقسیم بندی بزه‌دیده به مستقیم و غیر مستقیم و اینکه اصولاً بزه‌دیده غیر مستقیم حق تقدیم شکایت ندارد، محل تأمل است. ماده ۱۱۲-۵ برخلاف قانون فعلی صرفاً به جرایم قابل گذشت مطلق که با شکایت شاکی تعقیب آنها آغاز و با گذشت او موقوف می شود اشاره نموده که با اصول حقوقی منطبق تر است، اما همانطور که تبصره اشاره دارد با توجه به تعارض آن با منطوق ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی نیازمند تدوین قانون مرتبط است. ماده ۱۱۲-۶ موارد موقوفی تعقیب کیفری را نسبت به قانون سابق افزایش داده و توبه متهم در موارد پیش بینی شده در قانون را نیز افزوده که نیاز به تعریف دقیقی از توبه و شرایط احراز آن وجود دارد هرچند سابقه ذکر آن در قانون مجازات اسلامی نسبت به برخی جرایم وجود دارد. در خصوص خسارات ناشی از جرم، ماده ۱۱۲-۷ تمامی ضرر و زیان های مادی و

معنوی ناشی از جرم را قابل مطالبه دانسته است. تبصره ۱: زیان معنوی عبارت است از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی یا خانوادگی که جبران آن از طریق اعاده حیثیت و اعتبار و یا تعیین میزان هزینه های رفع صدمات روحی پس از اخذ نظر کارشناسی، صورت می گیرد. تبصره ۲: هزینه های متعارف درمان که مازاد بر میزان دیه باشد، مطابق نظر کارشناس یا بر اساس سایر ادله، قابل مطالبه است.

امروزه در حقوق کیفری ضرر و زیان شامل تمام خسارات^۱ و آسیب^۲ های مادی^۳، معنوی^۴، بدنی^۵، اقتصادی^۶، روانی^۷، احساسی^۸ و... می باشد که ماده تنها به دو نوع آن اشاره نموده است. از سوی دیگر تبصره دو این ماده هزینه های متعارف درمان که مازاد بر میزان دیه باشد را نیز مطابق نظر کارشناس یا بر اساس سایر ادله، قابل مطالبه دانسته که با توجه به موازین شرعی تأیید آن از سوی شورای محترم نگهبان محل تأمل است. ارتباط دعوی حقوقی و کیفری، تعیین تکلیف اموال حاصل از جرم، اعتبار حقوق شاکی خصوص حتی پس از سقوط دعوی عمومی و صدور قرار اناطه از دیگر قواعدی است که در این فصل مورد اشاره قرار گرفته است.

بند دوم (کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

باب دوم لایحه به مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی و مقامات ذیصلاح این مراحل و حدود اختیارات و وظایف ایشان پرداخته است. اهم موضوعات این باب در خصوص ضابطان دادگستری و تکالیف آنها، وظایف و اختیارات دادستان، اختیارات و وظایف بازپرس، معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی، احضار و تحقیق از

۱ damages

۲ Harm

۳ Material damages

۴ Moral damages

۵ Corporal damages

۶ Economical damages

۷ Psychological damages

۸ Emotional damages

متهم، شهود و مطلعان و قرارهای تأمین و نظارت قضایی است. در ذیل به اهم موضوعات مندرج در این باب پرداخته می شود.

الف) ضابطان دادگستری

ماده ۲-۱۲۱ پلیس قضایی، رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آن‌ها محول می شود و مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می شوند را ضابط دادگستری محسوب نموده است.

این ماده بدون احصا دقیق ضابطان، از افراد مختلفی به عنوان ضابط نام برده است و در حالی که هنوز بحث پلیس قضایی محل چالش است از ایشان به عنوان ضابط یاد کرده است. همچنین با توجه به قوانین و مقررات مختلفی که در باب فعالیت نیروهای مقاومت بسیج تدوین گردیده و در حال حاضر نیز با ابین نامه ستاد حفاظت اجتماعی دایره اختیارات ایشان توسعه یافته ماده ذکری از ایشان به میان نیاورده است.^۱

ماده ۱۰-۱۲۱ ضابطان دادگستری را مکلف نموده تنها شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و دریافت خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند. این امر با توجه به عدم ذکر این حقوق برای متهم موجب نابرابری سلاح‌ها می گردد.

طبق ماده ۱۵-۱۲۱ بازجویی و تحقیقات از زنان و اطفال کمتر از پانزده سال بر عهده ضابطان آموزش دیده زن قرار داده شده که به نظر می رسد توجه به معیار آموزش‌های لازم، وصف جنسیت را تحت الشعاع قرار می دهد.

ب) ترک و تعلیق تعقیب

امعان نظر به امکان ترک یا تعلیق تعقیب در صورت احراز شرایط قانونی با توجه

۱. ماده ۲۷-۱۲۲ لایحه حاضر: " دادستان می تواند با استفاده از نیروهای مردمی و با هماهنگی ستاد امر به معروف و نهی از منکر، ائمه جمعه و جماعات و نیروی مقاومت بسیج، «ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی» را جهت پیشگیری از وقوع جرم، ارشاد و آموزش نیروهای مردمی و تبادل اطلاعات و آگاهی مردم و مقامات قضایی تشکیل دهد."

به آثار مثبت بازدارندگی و اصلاح آن نسبت به متهم و کاهش بار فعالیت های نهاد تعقیب از نکات ممتاز این لایحه می باشد.

مطابق ماده ۱۹-۱۲۲ در جرائم تعزیری یا بازدارنده دارای مجازات قانونی حداکثر شش ماه حبس، ده میلیون ریال جزای نقدی یا شلاق، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری متهم، هرگاه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، دادستان می تواند با توجه به شرایط وقوع بزه و با ابراز ندامت متهم، ضمن تذکر، وعظ و توبیخ متهم و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از او، فقط یک بار از تعقیب متهم خودداری و قرار ترک تعقیب صادر کند.

ماده ۲۰-۲۲ نیز مقرر می دارد، در جرائم تعزیری یا بازدارنده دارای مجازات قانونی حداکثر تا سه سال حبس یا جزای نقدی تا بیست میلیون ریال که متهم فاقد سوء سابقه باشد، در صورت عدم وجود شاکی یا گذشت وی، دادستان می تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورات مندرج در ذیل این ماده می نماید.^۱ هرچند استفاده از عبارت

۱. " الف) ارائه خدمات به بزه دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه دیده،

ب) ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر، حداکثر ظرف شش ماه،

ج) خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین، حداکثر به مدت یک سال،

د) خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین، حداکثر به مدت یک سال،

ه) معرفی خود در زمان های معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین می کند، حداکثر به مدت یک سال،

و) انجام دادن کار در ایام یا ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام المنفعه ای که دادستان معین می کند، حداکثر به مدت یک سال،

ز) شرکت در کلاس ها یا جلسات آموزشی، فرهنگی و حرفه ای در ایام و ساعات معین حداکثر، به مدت یک سال،

ح) عدم اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهینامه، حداکثر به مدت یک سال،

ط) عدم حمل سلاح دارای مجوز یا استفاده از آن، حداکثر به مدت یک سال،

ی) عدم ارتباط و ملاقات با شرکای جرم و بزه دیده که توسط دادستان تعیین می شود، برای مدت معین،

" پس از اخذ موافقت متهم " توسط دادستان خالی از ابراد نمی باشد. طبق تبصره ۲ این ماده در صورت ارتکاب جرم از نوع جرم مورد تعلیق یا شدیدتر از آن از سوی متهم یا عدم اجرای دستورات دادستان، قرار تعلیق لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می آید.

ج) بازپرس و قلمرو تکالیف و اختیارات وی

ماده ۲-۱۲۳ تحقیقات مقدماتی، را تنها مجموعه اقداماتی دانسته که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی به موجب قانون، برای حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می شود و به سومی گام از این مرحله که همانا اظهار نظر نهایی در قالب قرارهای منع یا موقوفی تعقیب یا صدور قرار جلب به دادرسی است ننموده است.

طبق ماده ۳-۱۲۳ تحقیقات مقدماتی تمام جرائم بر عهده بازپرس نهاده شده و تصریح گردیده در غیر جرائم موضوع ماده ۶-۱۳۱ این قانون، در صورت نبودن بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. با توجه به ماده اخیر الذکر که در فصل مربوطه به تفصیل تشریح می گردد، تنها جرایم مهم در صلاحیت انحصاری بازپرس می باشد و نه تمام جرایم.

از جمله تکالیف که تضمین کننده حقوق طرفین دعوی نیز خواهد بود می توان به رعایت بی طرفی، سرعت در انجام تحقیقات مقدماتی و ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت مگر در مواردی که جرم مشهود و یا دارای شاکی باشد، اشاره نمود.

ماده ۲۷-۱۲۳ صلاحیت بازپرس برای تحقیق را منوط به تحقق جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او، دستگیری متهم یا کشف جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او یا اقامت متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او نموده است.

د) معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی

ذکر معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی در این باب در حالی انجام

ک) ممنوعیت خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوط، حداکثر به مدت شش ماه."

گرفته که از دیگر ادله و نحوه تحصیل آنها اثری به چشم نمی خورد. توصیه می شود مندرجات این فصل و موارد مربوط به ادله کیفری تحت یک فصل ذکر شود و در تمامی مراحل پنج گانه دادرسی لازم الاتباع باشد.

در این فصل به درستی بحث در روز انجام گرفتن تفتیش و بازرسی منزل و معاینه محل و تحقیق محلی مگر در موارد ضروری، برتری حقوق افراد نسبت به موضوع تفتیش و بازرسی، منع کنترل مکالمات تلفنی افراد جز در موارد مرتبط با امنیت کشور یا برای کشف و شناسایی جرائم موضوع بند «الف»، «ب» و «ج» ماده ۶-۱۳۱ این قانون انهم با موافقت رئیس حوزه قضایی و با تعیین مدت و دفعات کنترل، تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی، رایانه ای و داده ها و سیستم های رایانه ای، اعم از صوتی یا تصویری مربوط به متهم صرفاً با حصول شرایط ماده ۳۰-۱۲۴ درج گردیده است. ضوابط ارجاع امر به کارشناس نیز در مواد ۳۳-۱۲۴ تا ۴۵-۱۲۴ آمده است.

ه) احضار و تحقیق از متهم

برابر اصول حقوقی احضار متهم از طریق ارسال احضاریه و ابلاغ ان می باشد که در این لایحه این امر و همچنین مستدل و مستند بودن احضار یا جلب، رعایت فاصله حداقل پنج روزه میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس، ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ بدون استفاده از لباس رسمی مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین ماده ۸-۱۲۵ استفاده از سیستم های رایانه ای و مخابراتی، از قبیل پست الکترونیکی، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن را برای طرح شکایت یا دعوا، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی بلامانع دانسته و تعیین شرایط آنرا منوط به تصویب آیین نامه نموده است.

نکته مهم در این فصل امکان واگذاری ابلاغ اوراق قضایی به بخش خصوصی طبق ماده ۹-۱۲۵ می باشد که با توجه به اهمیت و ارتباط ان با حقوق و آزادیهای افراد خصوصاً حفظ محرمانگی این اطلاعات محل تأمل می باشد.

دیگر نکته مهم امکان صدور قرار جلب بدون احضار متهم در جرایم موضوع ماده ۱۳-۱۲۵ می باشد که با توجه به عدم وجود قانونی در خصوص مجازات جرایم سازمان یافته انگونه که در برخی کنوانسیون ها از جمله کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰ آمده، امکان اجرای دقیق ندارد.

شایان ذکر است جلب متهم باید به موجب برگ جلب و در روز بین ساعت هفت صبح تا چهار بعد از ظهر به عمل آید.

بر اساس ماده ۱۸-۱۲۵ حق نگهداری متهم توسط ضابطان دادگستری تنها تا بیست و چهار ساعت می باشد. بازپرس نیز مکلف به رسیدگی فوری به پرونده و عدم تعویق کار بیش از بیست و چهار ساعت می باشد.

حق بهره مندی متهم از همراهی وکیل دادگستری در مرحله تحقیقات مقدماتی با ضمانت اجرای بطلان تحقیقات در ماده ۲۳-۱۲۵ بسیار مناسب است که متأسفانه در ماده بعدی تحدید گردیده است. بر اساس ماده ۲۴-۱۲۵ چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را با محرمانه بودن تحقیقات منافی بداند، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به پرونده را صادر می کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. با توجه به اثبات اهمیت نقش وکلا در دادرسی این امر باید به حداقل ممکن محدود گردد.

در خصوص مواد ۲۸-۱۲۵ و ۲۹-۱۲۵ پیرامون اعلام مراقب اظهارات خود باشید و اعلام حق سکوت، امروزه در بسیاری از کشورهای جهان نه تنها حق سکوت متهم به رسمیت شناخته شده بلکه پلیس قضایی مکلف است پس از احضار یا جلب متهم علاوه بر استعلام هویت و اعلام صریح اتهام، حق سکوت را به وی اعلام دارد. این حق در راستای اعطای آگاهی به متهم نسبت به اظهارات نسنجیده ای است که ممکن است وی بیان کند. به این حقوق و حق بهره مندی از مترجم و حق بهره مندی از متخصص برای ناشنویان در مرحله کشف جرم اشاره ای نگردیده است.

(و) ضوابط مربوط به احضار شهود و مطلعان

مواد ۳۷-۱۲۵ تا ۴۹-۱۲۵ مبحث دوم این باب به الزامی بودن حضور شاهد در دادرسی یا دادگاه به منظور ادای شهادت در خصوص جرائمی که مجازات قانونی آن ها سلب حیات، قطع یا قصاص عضو، حبس ابد و یا پانزده سال حبس یا بیشتر می باشد، غیرعلنی بودن تحقیق و بازجویی از شاکی، متهم، شهود و مطلعان، تحقیق جداگانه از شهود و مطلعان، تحقیق بازپرس از نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، مذهب، محل اقامت، شماره تلفن ثابت و همراه و سابقه محکومیت کیفری شاهد یا مطلع و درجه قرابت سببی یا نسبی و وجود یا عدم رابطه خادم و مخدومی با طرفین پرونده، استماع شهادت شهود بدون ادای سوگند، قید اظهارات شهود و مطلعان

در صورت مجلس، منع تفهیم اتهام به کسی که به عنوان شاهد یا مطلع احضار شده و پرداخت هزینه ایاب و ذهاب شاهد اشاره نموده است.

اتخاذ تدابیر لازم از جمله عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم، عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع و یا فراهم ساختن امکان استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور، در مواقعی که بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی نسبت به شاهد یا مطلع و یا خانواده آنها وجود داشته باشد در این لایحه درج شده است. مع الوصف هرچند تبصره ۲ عدم تضييع حقوق دفاعی متهم و دادرسی عادلانه و منصفانه را پیش بینی نموده اما ترتیبات آن را مقرر نداشته است.

ز) صدور قرار تأمین

مرحله دوم از تحقیقات مقدماتی پس از گردآوری ادله، صدور قرار تأمینی مناسب است که در این لایحه در فصل ششم تحت عنوان قرارهای تأمین و نظارت قضایی ذکر گردیده و ضمن ذکر قرارهای التزام به حضور با قول شرف، التزام به حضور با تعیین وجه التزام، اخذ کفیل با تعیین وجه الكفاله، اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیر منقول و بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی، موارد التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام، التزام به معرفی نوبتی خود به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام، اخذ اسناد هویت یا اشتغال متهم از قبیل شناسنامه، گذرنامه، کارت ملی، پروانه اشتغال، گواهینامه رانندگی و کارت بازرگانی، التزام مستخدمان رسمی کشوری یا لشکری به حضور با تعیین وجه التزام پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنها از سوی سازمان مربوط و ممنوعیت خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی را اضافه نموده است.

تحدید صدور قرار بازداشت موقت به موارد مندرج در ماده ۲۲-۱۲۶ و الغای موارد پراکنده در سایر قوانین از مزیت‌های این قانون بوده و پراکندگی موارد مندرج قانون فعلی را اصلاح نموده است.

ماده ۲۳-۱۲۶ صدور قرار بازداشت موقت را منوط به وجود یکی از شرایط زیر

است:

" الف) هرگاه آزادی متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از ادای شهادت امتناع کنند.

ب) هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد."

به هر رو مستدل و موجه بودن قرار بازداشت موقت، امکان اعتراض به آن و محدودیت زمانی قرار بازداشت موقت نیز مورد توجه قرار گرفته است.

ماده ۳۲-۱۲۶ بازپرس را مخیر نموده متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، به منظور اصلاح متهم یا تضمین حقوق بزه دیده، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستوره‌های زیر است، صادر کند:

" الف) معرفی نوبتی به مراکز یا نهادهایی که بازپرس تعیین می‌کند،

ب) منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری،

ج) ترک معاشرت با افراد خاص،

د) اقدام برای درمان اختلال‌های روانی - رفتاری،

ه) منع اشتغال به کارهایی که زمینه ارتكاب جرم را فراهم می‌کند،

و) منع صدور چک در مورد جرائم مرتبط با چک،

ز) ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز،

ح) ممنوعیت خروج از کشور."

شایان ذکر است امروزه در برخی کشورها از شیوه کنترل قضایی استفاده می‌نمایند که به معنای جایگزین ساختن امکانات و تأمینات متنوع از جمله الزام متهم به معرفی مستمر خود به ژاندارمری، الزام متهم به اشتغال به حرفه ای که بازپرس تشخیص می‌دهد. الزام متهم به انجام آزمایشات معین پزشکی و روان پزشکی و به ویژه ترک اعتیاد می‌باشد. به کارگیری آنها در کشورهای چوَن فرانسه، آلمان، بلژیک و ایتالیا جاری است. البته ماده فوق‌الذکر به عنوان قرار تکمیلی به نظارت قضایی اشاره نموده در حالی که باید این قرار را جایگزینی برای قرارهای تأمینی با توجه به شرایط پرونده دانست.

ح) جبران خسارت

تجربه نشان داده است که تعدادی از متهمینی که در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی بازداشت می شوند متعاقباً بیگناه شناخته می شوند. در اینجاست که بحث جبران خسارت از متهم تبرئه شده پیش می آید. اجرای چنین مقرراتی باعث افزایش احتیاط و دقت قضات در جریان تحقیق و رسیدگی دعاوی در جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص است و همچنین به طرفین دعوی و دفاع اطمینان می دهد که در صورت تضییع حقوق دادخواهی و دفاع به لحاظ تقصیر یا اشتباه قضات موضوع جبران خسارت پیش بینی شده است.

در همین راستا اصل ۱۷۱ با پذیرش مسئولیت قضات و اعاده حیثیت از متهم مقرر می دارد: "هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر موضوع خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی شود، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد."

در مورد متهمینی که با صدور قرار منع تعقیب بعد از مدتی از بازداشت آزاد شده اند برخی از نظام های حقوقی صرف صدور قرار مزبور را از موارد جبران خسارت دانسته اند و برخی آن را موکول به اثبات براءت فرد دانسته اند. در فرانسه ادعای جبران خسارت زمانی پذیرفته می شود که اولاً تعقیب کیفری به منع تعقیب یا براءت قطعی بینجامد و ثانیاً نه تنها ضرر ایجاد کرده باشد بلکه این ضرر ظاهراً غیرعادی و از اهمیت خاصی برخوردار باشد.

مواد ۴۲-۱۲۶ تا ۴۵-۱۲۶ لایحه شیوه جبران خسارت ناشی از صدور قرار بازداشت را ذکر کرده است. در ابتدا مواردی که متهم مستحق جبران خسارت نیست ذکر شده و سپس ضمن تعیین مرور زمان شش ماهه برای تقدیم درخواست، دولت به عنوان مرجع جبران خسارت معرفی شده که در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر عمدی مقامات قضایی باشد، دولت می تواند پس از جبران خسارت به مسؤول اصلی مراجعه کند.

ت) اظهار نظر نهایی

علیرغم آنکه در تعریف تحقیقات مقدماتی ذکری از مرحله اظهار نظر نهایی نیامده

اما فصل هفتم از باب دوم تحت عنوان اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات به این موضوع پرداخته است.

طبق ماده ۱-۱۲۷ لایحه بازپرس پس از صدور قرار مناسب و مستدل و تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات، آخرین دفاع متهم را اخذ می نماید. باید به متهم فرصت کافی برای دفاع اعطا شود. با عنایت به آنکه حق دفاع از طبیعی ترین حقوق فردی است لذا در طول مدت تحقیقات مقدماتی و دادرسی و قبل از صدور حکم، باید فرصت کافی به متهم جهت تدارک وسایل دفاعی داده شود. در صورتی که متهم بازداشت باشد امکان تهیه اسناد و مدارک و گفتگو با شهود به وی اعطا شود و در دادگاه نیز از فرصت کافی برای رد اتهامات وارده استفاده کند و حق پژوهش خواهی و فرجام برای وی تضمین شود و بین تاریخ وقوع بزه و محکومیت قطعی بزهکار باید فاصله ای معقول و مناسب وجود داشته باشد.

مطابق ماده ۹-۱۲۷ قرار منع و موقوفی تعقیب و اناطه به تقاضای شاکی، قرار بازداشت موقت، ابقا و تشدید تأمین و قرار تأمین خواسته به تقاضای متهم قابلیت اعتراض دارند. وفق ماده ۱۷-۱۲۷ نیز تعقیب مجدد جز در مورد صدور قرار منع تعقیب به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل انهم تنها برای یک نوبت با اجازه دادگاه، ممنوع می باشد.

ی) صدور کیفرخواست

با عنایت به آنکه تفکیک مقام تحقیق از مقام دادرسی امروزه به عنوان یکی از اصول پذیرفته شده در بسیاری از نظام های حقوقی است تفکیک مرحله تحقیق و تعقیب ضروری است.

پس از صدور قرار نهایی در صورتی که قرار مذکور ناظر بر جلب متهم به دادرسی یا به عبارت بهتر قرار مجرمیت متهم باشد نوبت به صدور کیفرخواست می رسد که عبارت از تدارک و طرح دعوی علیه شخصی که به عنوان متهم در ارتکاب جرم دخالت داشته است و این امر بر عهده مقام تعقیب یعنی دادستان می باشد.

همچنین باید پرونده دادستانی پیش از آغاز مرحله دادرسی برای متهم افشا شود. لاقفل در مرحله اخذ آخرین دفاع از متهم در دادرسی محتویات پرونده و اسناد و مدارک دادستان باید کلاً برای تنظیم مدافعات در اختیار متهم و وکیل وی قرار داده شود. بر

این اساس ماده ۱۷-۱۳۳ تهیه رونوشت یا تصویر از پرونده و مطالعه آن توسط شاکی یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنها جز در مورد اسناد طبقه‌بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی را تجویز نموده است.

نحوه حل اختلاف دادستان و بازپرس در خصوص قرار نهایی صادره، اعتراض به آن، ضوابط مربوط به نحوه صدور کیفرخواست و اصول لازم الرعایه در آن نیز در این باب ذکر شده است.

بند سوم) دادگاههای کیفری، رسیدگی و صدور رأی

باب سوم این لایحه به مبحث دادگاههای کیفری، رسیدگی و صدور رأی می‌پردازد که اهم مطالب آن مشتمل بر تشکیلات و صلاحیت دادگاههای کیفری، ادله اثبات در امور کیفری از جمله اقرار، شهادت، سوگند و علم قاضی، رسیدگی در دادگاه کیفری، کیفیت شروع به رسیدگی و ترتیب آن، صدور رأی، رأی غیابی و وخواهی، احاله و رد دادرسی می‌باشد.

در مرحله دادرسی که چهارمین مرحله رسیدگی به پروسه رسیدگی به جرم است، دادگستری به عنوان مرجع تظلمات عمومی باید در مقام رسیدگی به دعاوی و صدور حکم در جهت تحقق عدالت کوشش نماید. بدیهی است حصول این نتیجه مستلزم رعایت تشریفات است که بدون آنها امکان تحقق محاکمه ای مبتنی بر معیارهای عادلانه میسر نمی‌باشد.

از جمله این شرایط برقراری دادرسی فوری و بدون تأخیر ناموجه در دادگاه صالح و قانونی است. محاکمه باید در دادگاهی صورت پذیرد که به موجب قانون اساسی یا دیگر قوانین کشور تعیین شده و عمومی باشد.

الف) صلاحیت محاکم دادگستری

لایحه دادگاههای کیفری را به دادگاههای کیفری عمومی و دادگاههای جنایی و دادگاه انقلاب تقسیم نموده و اصل را بر صلاحیت عام دادگاه کیفری عمومی قرار داده مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد. در این راستا جرایم مستوجب مجازات سلب حیات، قطع یا قصاص عضو، حداکثر بیش از سه سال حبس و حبس ابد و جرائم سیاسی و مطبوعاتی را در صلاحیت دادگاه جنایی قرار داده و

جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام، توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری و جرائم مربوط به مواد مخدر و قاچاق ان و قاچاق اسلحه، مهمات و مواد منفجره را در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار داده است. این لایحه با توجه به کاهش صلاحیت دادگاه انقلاب و توسعه صلاحیت دادگاههای عمومی کیفری منافع متهم را لحاظ نموده است.

همچنین رسیدگی به تمام جرائم رؤسای قوای سه گانه و معاونان و مشاوران ان ها، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، وزیران، دارندگان پایه قضایی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران و افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه کیفری عمومی یا دادگاه جنایی تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرائم به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.

رسیدگی به جرائم معاونان و مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمانها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیر دولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمانها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیر دولتی استانها و شهرستانها، رؤسای دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستانها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه کیفری عمومی یا دادگاه جنایی مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آنکه رسیدگی به این جرائم به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد. صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرائم اشخاص فوق الذکر، اعم از ان است که در زمان تصدی سمت‌های مذکور یا قبل از ان مرتکب جرم شده باشند.

ب) هیئت منصفه

به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاه جنایی مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیأت منصفه رسیدگی می شود. مطابق ماده ۸-۱۳۱ به جرائمی که مجازات آنها، سلب حیات، قطع یا قصاص عضو، حبس ابد و یا پانزده سال حبس یا بیشتر است، با حضور هیأت منصفه رسیدگی می شود.

حضور هیئت منصفه به عنوان گروهی که از متن جامعه به عرصه قضاوت می آیند موجب تقویت و حمایت هر چه بیشتر نظارت و مشارکت مردمی در حفظ و حراست از حقوق و آزادیهای اساسی اشخاص در طول محاکمات محسوب می شود. نویسندگان لایحه به درستی علاوه بر جرایم سیاسی و مطبوعاتی، حضور هیئت منصفه در رسیدگی به جرایم مهم را نیز ضروری دانسته اند. که البته این امر مستلزم تدوین قانون لازم برای تعیین اعضا هیئت مذکور و عملکرد آن دارد.

ج) علنی بودن محاکمات

علنی بودن جلسه دادگاه به معنای عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در دادگاه به عنوان یک اصل می باشد. در موارد استثنایی که جریان محاکمه منحل نظم و آرامش و یا عفت عمومی باشد تنها به تصمیم دادگاه صالح و در قسمتهایی که منحل نظم و آرامش هستند جلسه به طور غیر علنی برگزار گردد ولی در هر صورت رأی دادگاه باید در جلسه علنی قرائت و به متهم تفهیم شود.

به موجب اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی " محاکمات علنی انجام می شود و حضور افراد بلا مانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد."

ماده ۱۸-۱۳۳ اصل علنی بودن محاکمات را جز در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیر علنی بودن محاکمه را درخواست کنند، امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است و موارد منحل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی پیش بینی نموده است. حضور وکیل دادگستری و بهره مندی متهم در صورت نیاز از یک نفر مترجم و برقراری آیین دادرسی خاص کودکان و نوجوانان به جهت شرایط خاص ایشان از موارد ضروری دیگر است.

یکی از نکات قابل بحث در این لایحه تاکید مجدد بر رسیدگی به جرایم در نهادهای شبه قضایی مانند شوراهای حل اختلاف طبق ماده ۱۸-۱۳۱ می باشد که با توجه به متصدیان غیر متخصص این نهادها نیازمند بازنگری جدی است.

د) ادله اثبات در امور کیفری

ماده ۱-۱۳۲ از اقرار، شهادت، علم قاضی که مستند به قرائن قطعی و روشن باشد و سوگند در موارد مقرر قانونی به عنوان ادله در امور کیفری نام برده است.

امروزه کشف علمی جرایم از طریق وسایل مدرن موجب شده است تا مأموران کشف جرایم با سرعت و در عین حال دقت بالا به ثبت و ضبط پدیده مجرمانه، حفظ آثار و دلایل آن اقدام و در نتیجه کیفیت فوق العاده تحقیقات مقدماتی را باعث شوند. علمی مثل انگشت نگاری، اسلحه شناسی، تشخیص هویت ژنتیکی و استفاده از کامپیوتر در جهت شناسایی متهم از چنان تحول و پیشرفتی برخوردارند که ضریب اطمینان بالایی را در زمینه کشف دقیق و سریع جرم ایجاد می نمایند.

پیش بینی موادی مانند ماده ۲-۱۳۲^۱ با توجه به حاکمیت سیستم ادله علمی در اکثر کشورها و نسخ سیستم ادله قانونی توجیه پذیر نمی باشد.

قسمت اخیر ماده ۴-۱۳۲ نیز که مقرر می دارد: "هرگاه ادله شرعی موضوعیت داشته و نزد قضات دادرسی اقامه شده است، با استناد به این ادله، قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست صادر می شود. ادله مذکور برای دادگاه نیز معتبر است، مگر این که خلاف آن ثابت شده و یا ادله معارض با آن در دادگاه اقامه شود. در هر صورت استماع مجدد اقرار یا شهادت بلامانع است." با توجه به آنکه قاضی صادر کننده حکم باید ادله را بررسی کرده و با استماع شهادت یا اقرار حکم صادر کند، تعارض دارد.

با توجه به تبصره ماده ۶۴-۱۳۲ مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، شهادت عرفی، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات می تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. لذا بهتر است همانطور که پیشتر گفته شد تمامی ادله و ضوابط حاکم بر آن در یک فصل گردآوری شده و نسبت به تمامی مراحل دادرسی حاکم باشد.

ه) قواعد حاکم بر دادرسی

شروع به رسیدگی در دادگاه کیفری مطابق ضوابط مندرج در فصل سوم با صدور

۱. ماده ۲-۱۳۲. در مواردی که دعوای کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارند، اثبات می شود، قاضی به استناد آن ها رأی صادر می کند، مگر این که قاضی علم بین بر خلاف آن داشته باشد.

کیفرخواست، صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه و بیان ادعای شفاهی دادستان در دادگاه آغاز می شود. نحوه رسیدگی در دادگاهها برابر ماده ۲۳-۱۳۳ به صورت توافقی است.

نسبت به جرایمی که مطابق ماده ۶-۱۳۳ دارای مجازات حداکثر نود و یک روز حبس یا ده میلیون ریال جزای نقدی یا هر دو است، به طور مستقیم و بدون حضور دادستان در دادگاه رسیدگی می شود. این امر تقریباً شبیه سیستم رسیدگی اختصاری در حقوق انگلستان در دادگاههای بخش می باشد.

اختیار در تعیین وکیل در تمام امور کیفری و الزام به حضور وی در تمامی جرایم مستوجب مجازات سلب حیات، قطع یا قصاص عضو، حداکثر بیش از سه سال حبس و حبس ابد، امکان تهیه رونوشت یا تصویر از پرونده و مطالعه آن توسط شاکی یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنها جز در مورد اسناد طبقه بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی، حق بهره مندی از مترجم و متخصص در مورد افراد ناشنوا، نحوه صدور رأی، رأی غیابی و واخواهی، احاله و ایرادات مربوط به رد دادرسی از دیگر ضوابط مندرج در این فصل است.

بند چهارم) اعتراض به آراء

باب چهارم لایحه به بحث اعتراض به آراء دادگاههای کیفری، رسیدگی و صدور رأی در دادگاه استان، دیوان عالی کشور و بحث اعاده دادرسی می پردازد.

الف) پژوهش و فرجام خواهی

مطابق ماده ۲-۱۴۱ اصل بر قابل اعتراض بودن آراء دادگاههای کیفری است و تنها جرائم دارای حداکثر مجازات قانونی تا نود و یک روز حبس و جزای نقدی تا مبلغ ده میلیون ریال یا یکی از آنها و جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش کم تر از یک دهم دیه کامل قطعی می باشد.

مرجع پژوهش یا فرجام از آراء حسب مورد دادگاه استان همان حوزه قضایی و یا دیوان عالی کشور است. طبق ماده ۳-۱۴۱ نیز آراء صادر شده در خصوص جرائم منجر به سلب حیات، قطع یا قصاص عضو، حبس ابد و یا پانزده سال حبس یا بیش تر قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است.

ماده ۵-۱۴۱ اسقاط حق پژوهش یا فرجام‌خواهی را در صورت توافق کتبی طرفین جز در مورد صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رأی امکانپذیر دانسته است.

ماده ۶-۱۴۱ مهلت درخواست پژوهش و فرجام برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت وخواهی یا پژوهش خواهی تعیین نموده است.

همچنین در تمام محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده وفق ماده ۱۷-۱۴۱ در صورت عدم پژوهش خواهی دادستان از حکم صادره، محکوم علیه می‌تواند پیش از پایان مهلت پژوهش خواهی با رجوع به دادگاه صادر کننده حکم، حق پژوهش خواهی خود را اسقاط یا درخواست پژوهش را مسترد کرده، تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا نصف مجازات تعیین شده را کسر می‌کند. این حکم دادگاه قطعی است.

ب) اعاده دادرسی

اعاده دادرسی و ضوابط آن در مواد ۱-۱۴۴ و ۱۰-۱۴۴ آمده است.

طبق ماده ۱-۱۴۴ درخواست اعاده دادرسی در مورد احکام قطعی دادگاه‌ها تنها به سود محکوم علیه پذیرفته می‌شود و مرجع آن نیز دیوان عالی کشور است.

علاوه بر موارد مندرج در این ماده مطابق تبصره این ماده هرگاه رئیس قوه قضائیه، حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ قطعیت رأی، آن را خلاف بین شرع تشخیص دهد، این تشخیص از جهات تجویز اعاده دادرسی محسوب می‌شود و رئیس قوه قضائیه می‌تواند پرونده را حسب مورد برای رسیدگی به مرجع صالح هم عرض صادرکننده حکم قطعی ارسال کند.

شیوه رسیدگی به پرونده های مورد اعاده دادرسی و ضوابط حاکم بر آن از دیگر مطالب این فصل است.

بند پنجم) اجرای احکام کیفری

متهم در این مرحله در صورت اجرای مجازات از قاعده منع تعقیب مجدد بهره می

برد.^۱ طبق ماده ۱-۱۵۱ اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان است و «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی، در دادرسی عمومی و انقلاب عهده دار این وظیفه است.

صدور دستور اجرای آرا کیفری و نظارت بر شیوه اجرای آنها، اجرای مجازات های اجتماعی، نظارت بر زندانها و مؤسسه های کیفری در امور راجع به زندانیان، پیشنهاد عفو و اعطای آزادی مشروط، مطابق قوانین و مقررات مربوط، اعطای مرخصی به زندانیان براساس قوانین و مقررات مربوط، اتخاذ تصمیم نسبت به برخی محکومان که نیاز به توجه ویژه دارند، از قبیل صدور اجازه بستری شدن زندانی در مراکز درمانی و اجرای سایر وظایفی که به موجب قوانین و مقررات برای اجرای مجازات ها وضع شده یا بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری یا ناظر زندان قرار گرفته است برعهده قاضی اجرای احکام کیفری می باشد.

لایحه حاضر اجرای علنی مجازات ها را جز در موارد الزام قانونی یا در صورتی که پیش از صدور حکم به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتكابی، نحوه ارتكاب جرم و سوابق مرتکب و بیم تجری او یا دیگران، دادستان اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و دادگاه با پیشنهاد وی موافقت کرده و به اجرای علنی مجازات در رأی تصریح کند، ممنوع نموده است.

شرایط تعویق و عدم اجرای مجازات و همچنین تأثیر جنون در اجرای مجازات از دیگر مواد مندرج در این فصل می باشد.

نحوه اجرای مجازات حبس، احتساب ایام توقف متهم در زندان در مرحله اجرای حکم و ایام بازداشت بدل از جزای نقدی و شلاق نیز در مواد ۲-۱۵۲ و ۳-۱۵۲ آمده است.

نحوه اجرای محکومیت های مالی و سایر احکام کیفری و نیز نحوه اجرای قرار تعلیق مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق تعیین کیفر، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سیستم های الکترونیکی نیز در این باب آمده است. با توجه به عدم احصا جرائم مشمول نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سیستم های الکترونیکی، اجرای آن منوط به تدوین قوانین مرتبط می باشد.

۱. در قانون حمورابی نیز ضمن منع انتقام خصوصی و پذیرش اصل متعالی برائت، اعتبار قضیه مختوم بها پذیرفته شده است هرچند دادرسی در مجموع به صورت یک مرحله ای انجام می گرفته است

بند ششم) هزینه دادرسی و سایر مقررات

نحوه وصول هزینه دادرسی و پرداخت آن، تشکیل «مرکز ملی تنظیم و ثبت پرونده- های کیفری» تحت نظارت رئیس قوه قضاییه و جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات مربوط به تاریخ و محل ارتکاب جرم، نوع اتهام و تاریخ شروع تعقیب، همچنین نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، جنسیت، تاریخ و محل تولد، تابعیت، دین، کدملی، کدپستی و شغل متهم و بزه دیده و اطلاعات مربوط به گردش کار و پیشرفت پرونده و رأی نهایی و سایر مقررات حاکم بر دعوی کیفری در باب ششم لایحه عنوان شده است. خوشبختانه برخلاف ماده ۲۹۸ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، که براساس آن متهم به هزینه خود حکم برائتش را در جرایم منتشر می نمود، تبصره ۲ ماده ۳-۱۶۲ مقرر می کند:

" هرگاه محکوم علیه پس از اجرای مفاد ماده فوق، برائت حاصل کند، مرجع صادر کننده حکم برائت مکلف است در صورت درخواست ذینفع، دستور انتشار خلاصه متن حکم برائت را در پایگاه اطلاع رسانی قوه قضاییه به مدت سه ماه یا در روزنامه رسمی برای یک مرتبه صادر کند. چنانچه روزنامه‌های کثیرالانتشار نیز خبر محکومیت را منتشر کرده باشند، خبر برائت را نیز باید منتشر کنند." همچنین طبق ماده ۴-۱۶۲ " شخصی که به موجب حکم قطعی برائت حاصل کند، می‌تواند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی، از دادگاه صادر کننده حکم نخستین درخواست نماید که حکم برائت از محل صندوق دولت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار منتشر شود."

نتیجه گیری

ذکر بسیاری از اصول دادرسی عادلانه و پیش بینی حقوق شاکی و متهم در مراحل مختلف دادرسی، تنوع قرار های تأمینی صادره با توجه به جرم و امکان استفاده قضات از قرار نظارت قضایی، لزوم جبران خسارت ناشی از تعقیب فردی که بیگناهی وی اثبات می گردد و تعیین مرجع ذیصلاح برای جبران خسارت، کاهش صلاحیت مراجع اختصاصی در کنار افزایش صلاحیت عام دادگاههای عمومی کیفری، طرح مناسب قرار های ترک و تعلیق تعقیب در راستای کاهش موارد اعمال مجازات و تعقیب بزهکاران، بهره گیری از هیئت منصفه علاوه بر جرایم سیاسی و مطبوعاتی در جرایم مهم که البته

نیازمند تدوین قوانین لازم برای اجرای این مهم می باشد و پیش بینی نهادهایی چون قرار تعویق تعیین کیفر، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سیستم‌های الکترونیکی در کنار سایر موارد اجرای احکام کیفری از نکات قوت این لایحه می باشد. در کنار نکات فوق الذکر عدم ذکر برخی حقوق متهم مانند حق سکوت و لزوم جمع بندی اصول دادرسی عادلانه و حقوق متهم و شاکی ذیل یک عنوان و لازم الرعایه نمودن آنها در کلیه مراحل دادرسی مشهود می باشد. همچنین اجرای این قانون نیازمند تدوین قوانین مرتبط در خصوص هیئت منصفه، احصا جرایم قابل گذشت و .. می باشد.

توصیه می شود صاحب نظران امر در جهت تکمیل این لایحه، احصاء کامل خسارات ناشی از جرم و عدم اکتفا به خسارات مادی و معنوی، ذکر منسجم ادله ذیل یک عنوان با توجه به شمول قواعد یکسان به گردآوری ادله در کلیه مراحل دادرسی و واگذاری تعیین مجازات به قوانین مربوطه و عدم ذکر آن در قانون شکلی چون آیین دادرسی کیفری را مد نظر قرار دهند.

فهرست منابع

- ۱) اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۴۱۱ ه.ق.
- ۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
- ۳) اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه.
- ۴) قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱.
- ۵) قرارداد ژنو راجع به حمایت از افراد کشور در حال جنگ ۱۹۴۲.
- ۶) قرارداد ژنو در مورد معامله با اسیران جنگی مصوب ۱۹۴۹.
- ۷) قطعنامه سازمان ملل مربوط به نظامنامه رفتاری برای مسئولان اجرای قانون ۱۹۷۹.
- ۸) کنوانسیون اروپایی حفظ و حمایت حقوق فردی و آزادیهای اساسی مورخ ۱۹۵۰.
- ۹) کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴.
- ۱۰) مصوبه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل مربوط به مجموعه قواعد حداقل برای رفتار با بازداشت شدگان ۱۹۵۷.
- ۱۱) مقررات مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد درباره حداقل رفتار با زندانیان به

منظور مبارزه با جرم و چگونگی رفتار با زندانیان ژنو ۱۹۵۷.
(۱۲) میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۹۶۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی